

صفحه اول تاریخی روزنامه کیهان فروردین ۵۸

پاسخ به جنایت در گذشته نوازش نبود و در آینده نیز چنین نخواهد بود

این متن آن نوشته ایست که با عنوان "در جواب آنها که دل می‌سوزانند" در کنار عکس در زیر شکنجه شدگان در صفحه اول کیهان منتشر شد. این عکس، روی دیوار یکی از اتاق های شکنجه کمیته مشترک نصب بود و در جریان سقوط شهربانی و کمیته مشترک توسط علی خدائی که یادمانده هایش را در راه توده می خوانید به خارج از کمیته منتقل شد. شرح سقوط کمیته و شهربانی و این عکس ها در شماره گذشته یادمانده ها در راه توده منتشر شده بود. این صفحه اول کیهان برای راه توده بصورت عکس ای میل شد و ما متن یادداشت کنار این عکس ها را که در پاسخ به انتقاد از اعدام کودتاچیان ۲۸ مرداد و ژنرال های شاه نوشته شده بود را، از روی کیهان تایپ کرده و در ادامه می آوریم. شاید این متن، اکنون و در برابر آنچه که جمهوری اسلامی بعنوان کارنامه زندان و اعدام و شکنجه از خود باقی گذاشته کمرنگ جلوه کند، اما در آن زمان، یعنی فروردین ۵۸ فضای عمومی ایران و انقلاب همین بود که در این سرمقاله به قلم علی خدائی منعکس است.

کوچه بدهید و با احترام کلاهتان را از سر بردارید. مدعیان دفاع از حقوق بشر از راه می‌رسند. مدعیان دفاع از حقوق بشراند و برقراری عدالت، حالا اگر در تمام سالهایی که خون جوانان ما را در کوچه و خیابان ریخته می‌شد در خواب غفلت بودند چه باک!! ایشان دست بدامن دبیر کل همان سازمانی شده‌اند که تا سال گذشته تریبونش بی‌دغدغه در اختیار اشرف پهلوی بعنوان مدافع حقوق بشر در ایران بود. در حالیکه هر زمان که جنجال علیه عملیات سفاکانه رژیم در خارج از ایران بالا میگرفت، مطبوعات وابسته‌شان بامید سخاوت بی‌پایان غارتگران ایران با یک دست دهانه جیبهایشان را باز میکردند و با دست دیگر علامتهای رژیم را در زمینه دعوت به سکوت پاسخ می گفتند.

چه شده است که اینها ب فکر حفظ حقوق بشر در ایران افتاده‌اند؟ برآستی چه دستهایی در تلاش است تا با استفاده از هر وسیله‌ای از جمله سازمان ملل متحد چوب لای چرخ دادگاههای انقلابی ایران بگذارد و آنرا متوقف کند؟

اگر اینان که صرفا برای مداخله در کار محاکمه مشتکی جنایتکار و غارتگر به تکاپو افتاده‌اند فراموش کرده‌اند، خلق ایران فراموش نکرده است که تا همین یکسال پیش صدها نامه اعتراضی با امضاء صدها روشنفکر ایرانی برای اعتراض به آنچه رژیم خونریز پهلوی در ایران میکرد بی‌پاسخ ماندند. تقاضاهای مکرر برای برسمیت شناختن جمعیت دفاع از حقوق بشر که توسط عده‌ای از وطن پرستان ایران ایجاد شده بود بی‌پاسخ ماند. دهها و صدها نمونه دیگر از این دست وجود دارد که خلق ایران حالا دیگر بخوبی از همه آنها با خبر است و نیازی به تکرار آنها نیست.

خون آنها که این روزها بعد از پیروزی انقلاب به حکم دادگاه های انقلاب ریخته میشود، بی‌تردید ارزش مقایسه را هم با خون شریف هزاران آزادیخواه ایران که در همین سالهای نه چندان دور ریخته شد ندارد. اگر سازمانها و جمعیت ها و مدافعان حقوق بشر در خارج از ایران قصد چنین مقایسه‌ای را دارند این گوی و این میدان ...

بروند محاکمات آزادیخواهان را و مدافعانشان را در بیدادگاههای در بسته رژیم بخوانند. بروند درباره شکنجه‌های هولناکی که مبارزان ایران در سال های اخیر تحمل کردند تحقیق کنند. کار زیاد دشواری نیست. هزاران زندانی سیاسی که به یمن پیروزی انقلاب به میان مردم بازگشته‌اند گفتنی های زیادی در این باره دارند. بروند حداقل از خبرنگاران، گزارشگران مجلات و روزنامه‌های خودشان بپرسند که همین جنایتکاران در مشهد و قزوین

و قم و اصفهان و نجف‌آباد و دهها شهر دیگر فریاد آزادیخواه مردم را چگونه به خون کشیدند و هزاران خانواده را بی‌سرپرست کردند.

بعد از همه این جستجوها بگویند اگر زمان محاکمه جنایتکاران و وطنفروشان بعد از پیروزی انقلاب ایران نیست، پس چه زمانی است؟

دل هیچ ایرانی واقعی از این اعدام‌ها نمی‌لرزد و آنها که رنگ از رویشان پریده لابد از به میان آمدن نامشان بیم دارند و سرنوشتی مشابه که در انتظارشان است. بهمین دلیل است که باید گفت زمزمه عفو عمومی هم در حال حاضر هیچ محلی از اعراب ندارد. اصلاً عفو عمومی یعنی چه؟

عفو عمومی باید شامل کسانی بشود که چند سالی از محکومیتشان را پشت سر گذاشته‌اند و از هر جهت نشان داده‌اند که نادمند و اصلاح پذیر. نه کسانی که هنوز حتی گوشه‌ای ناچیز از جنایات و غارت‌هایشان برملا نشده و مانند مار زخم خورده در کمین انقلاب و مردم نشسته‌اند. تمام جنایتکاران رژیم گذشته که رقمشان بی‌تردید بمراتب بیشتر از رقمی است که تاکنون به جوخه اعدام سپرده شده‌اند و تمام غارتگران و وطن‌فروشان حرفه‌ای سالهای گذشته باید محاکمه شوند و به جزایشان برسند. یک گوش همه مردم ایران برای زمزمه‌های مربوط به جنجال بین‌المللی و باصطلاح حفظ آبروی رژیم جدید ایران در است و گوش دیگر دروازه.

اگر امروز به آنها که بدام افتاده‌اند و آنها که هنوز بدام نیفتاده‌اند و جستجو برای شناسایی و دستگیریشان ادامه دارد ترحم شود روزنه امیدی برای ارتجاع و امپریالیسم باز گذاشته شده است که سرعت به دروازه‌های بزرگ تبدیل خواهد شد و بازگشت ارتجاع و استبداد از آن براحتی امکان پذیر است.

بنظر ما اگر ایرادی بر کار محاکمات است، این ایراد ناشی از سرعت در مجازات و محاکمه جنایتکاران نیست، بلکه مربوط به بی‌خبر گذاشتن مردم از جزئیات اعترافات در جریان محاکمات و حقایق مربوط به جنایات ساواک و ارتش و دیگر سازمان‌های خونریز رژیم شاه در گذشته است. اگر عکس جسد عوامل رژیم احیاناً ترحمی را در دل پاره‌ای از مردم مهربان و رئوف ایران بوجود می‌آورد چاپ عکسها و مدارک و اعترافات مربوط به شکنجه‌ها و کشتارهای آنها می‌تواند آنها را هم خنثی کند.

سکوت درباره جنایات رژیم و عدم انتشار مدارک موجود در این زمینه که در جریان سقوط کامل رژیم بدست آمده همزمان با ادامه محاکمات واقعاً جایز نیست.

برای پاسخ به آنها که این روزها دایه دلسوزتر از مادر شده‌اند و برای نجات مثنی جانی و وطنفروش از چنگال عدالت انقلابی پستان به تنور می‌چسبانند، فقط چند عکس مربوط به کشتار جوانان و رزمندگان زیر شکنجه ساواک را که در زندان کمیته بدست آمده چاپ می‌کنیم. این عکسها را ساواک برای آنکه دستگیر شدگان تازه پا به شکنجه‌گاه گذاشته ببینند و بدانند چه سرنوشتی در انتظارشان است روی دیوار یکی از اتاق‌های مخصوص شکنجه کمیته مشترک در شهربانی تهران نصب کرده بودند.

کیهان، دوشنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۳۵۸

راه توده ۱۸۷ ۲۸,۰۷,۲۰۰۸